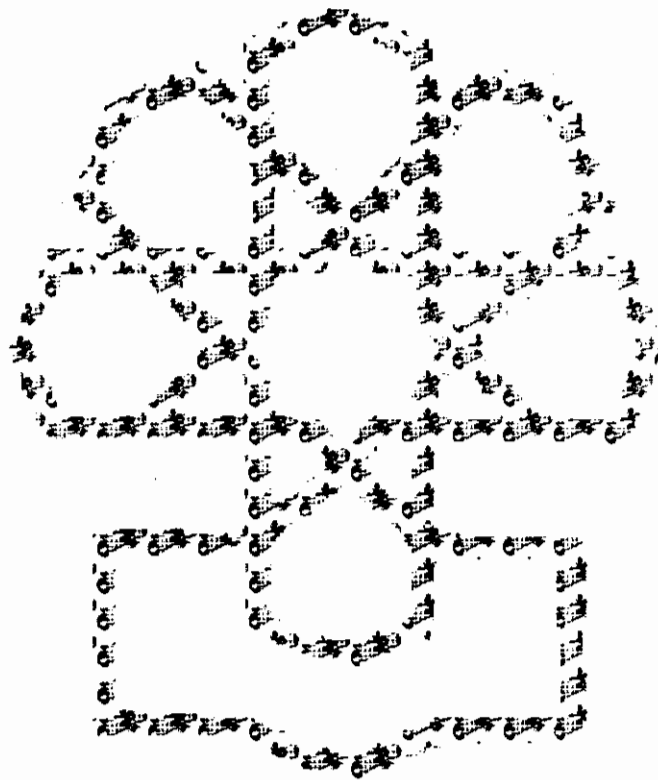


۲۸۴۷

۷۰۸



جستاری کوتاه در زندگی علی (ع)



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

معاونت پژوهشی

اسفند ۱۳۷۶

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی تاریخی
شماره: ۸۵۰۵
تاریخ: ۱۹/۳/۷۷

کد گزارش: ۴۱۰۲۸۴۷

بسمه تعالی

جستاری کوتاه در زندگی علی (ع)

کد گزارش: ۴۱۰۲۸۴۷

فهرست مطالب

۲مقدمه
۲ولادت
۲پیامبر مربی علی
۲یاری پیامبر
۴علی (ع) کتاب ناطق
۴امام معصوم از دیدگاه امام رضا (ع)
۴خانه نشینی علی (ع)
۵حکومت علی (ع)
۶امامت ضامن بقای اسلام

شخصیت‌های بزرگ جهان هر یک با خصوصیتی از دیگران متمایز گشته‌اند. در میان تمام بزرگان تاریخ، علی (ع) چون آفتابی است که از فیض وجودش جمله عالم حیات یافته و از درخشندگی اش هستی معنا گرفته است. علی (ع) چهره‌ای است که دوستان از خوف و دشمنان از بغض، صفاتش را مکتوم می‌داشتند. ولی با این همه آنچه از وصف او رسیده، بی‌همتاست.

ولادت

علی (ع) از خاندان پاک هاشم و از نسل اسماعیل است. مادرش فاطمه بنت اسد از فرزندان عمران و از نسل اسحاق است. فاطمه از نخستین زنانی است که به پیامبر (ص) ایمان آورد. او همان زن پاکدامنی است که به هنگام شدت یافتن درد زایمان، راه مسجدالحرام را پیش گرفت و خود را به دیدار کعبه نزدیک ساخت و از خداوند خداست که تولد کودک را آسان فرماید. لحظه‌ای نگذشت که فاطمه به صورت اعجاز آمیزی وارد خانه خدا شد و در آنجا وضع حمل نمود.

این فضیلت بزرگ را قاطبه محدثان و مورخان شیعه و دانشمندان علم انساب در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. در میان دانشمندان اهل سنت نیز گروه زیادی به این حقیقت تصریح کرده، آن را فضیلتی بی‌نظیر خوانده‌اند.

پیامبر مری علی

علی (ع) در کعبه متولد می‌شود و در آغوش پیامبر (ص) تربیت می‌یابد. پیامبر (ص) به سبب علاقه‌ای که به علی داشت هیچ‌گاه از او جدا نمی‌شد و هر موقع از مکه برای عبادت به خارج شهر می‌رفت. علی (ع) را همچون برادر کوچک یا فرزند دلبندی همراه خود می‌برد. پس از خشکسالی بزرگ مکه، علی (ع) به خانه پیامبر (ص) منتقل شد و از آن هنگام هرگز او را ترک نگفت. احادیث صحیح حاکی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر (ص) نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت، علی (ع) در کنار حضرت بود. امیر مؤمنان، خود در این باره می‌فرماید:

پیامبر (ص) هر سال در کوه حرا به عبادت می‌پرداخت و جز من کسی او را نمی‌دید.^۱

و پیامبر (ص) به علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا سَمِعَ وَ تَرَى مَا أَرَى الْآنَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ^۲

یعنی: تو آنچه را که من می‌شنوم و می‌بینم، می‌شنوی و می‌بینی؛ جز این که تو پیامبر نیستی بلکه وزیر و یاور من هستی.

یاری پیامبر

علی (ع) پیشگام در پذیرش اسلام و اول مؤمن و یاور رسول الله (ص) است. رسول اکرم (ص) خود به سبقت علی (ع) در اسلام تصریح کرد و در جمع اصحاب فرمود:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷ (فاصمه).

۲. همان.

نخستین کسی که در روز رستاخیز با من در حوض (کوثر) ملاقات می کند، پیشقدم ترین شما در اسلام. علی بن ابی طالب است.^۱

پس از علنی شدن دعوت، هجوم به تازه مسلمانان و آزار و اذیت رسول... شروع می شود، تا جایی که نقشه قتل پیامبر (ص) طرح می شود. از هر قبیله یک نفر مأمور قتل رسول... می شود تا خون او در میان قبایل عرب پخش شود و خاندان بنی هاشم نتوانند به خونخواهی برخیزند. در این هنگام پیامبر (ص) از مکه به مدینه هجرت می کند و برای این که مشرکان به او دست نیابند، علی (ع) در بستر پیامبر (ص) می آرمند و برای حفظ جان او به استقبال مرگ می رود. خداوند در ستایش این عمل می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ أَتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ^۲

برخی از مردم کسانی هستند که جان خود را برای تحصیل رضای خداوند از دست می دهند و خداوند به بندگان خود رؤوف و مهربان است.

مشرکان با دیدن علی (ع)، نقشه های شان بر آب می شود و محمد (ص) با ورود به مدینه، دوران جدیدی را در رشد و گسترش اسلام پی ریزی می کند. پس از شکل گیری جامعه اسلامی اولیه در مدینه، هجوم مشرکان و جنگ های آنان با اسلام شروع می شود که در تمام جنگ ها اول قهرمان و ناجی دین محمد (ص)، علی (ع) است. بدر واحد و خندق و خیبر و دیگر غزوات، صحنه دلاوری های بی نظیر علی (ع) است که دشمنان خدا را یک به یک به خاک می افکند. با روشن شدن نور امید در دل مسلمانان و زخم خوردن فتوحات پی در پی اسلام، آتش کینه و نفرت نسبت به علی (ع) در دل تیره مشرکان جای می گیرد. همان آتشی که با ارتداد و بازگشت اعراب به جاهلیت موجب مقابله با او می گردد.

علی ستاره درخشان اسلام و اول یاور رسول الله (ص) و وصی و جانشین به حق و شناخته شده اوست. کسی نبود که فضایل علی (ع) را نداند. احدی نمی توانست سفارش های رسول الله (ص) نسبت به علی (ع) و نصب او را به امامت انکار کند.

پیامبر در غدیر خم: مناسبت های مختلف به ولایت و جانشینی علی (ع) تصریح کرده بود که بارزترین آنها واقعه غدیر خم بوده است. در سال دهم هجری که آخرین حج پیامبر (ص) انجام می گرفت حدود صد و بیست هزار نفر همراه او شدند. در بازگشت در منطقه ای به نام «غدیر خم» پیک وحی آمد و به پیامبر (ص) فرمان توقف داد. پیامبر (ص) نیز دستور داد که همه از حرکت باز ایستند و بازماندگان فرار سبند.

کاروانیان از توقف ناگهانی و به ظاهر بی موقع پیامبر (ص) در این صحرای خشک، آن هم در نیمروزی گرم که حرارت آفتاب بسیار سوزنده و زمین تفتیده بود، در شگفت ماندند. مردم با خود می گفتند: فرمان بزرگ از جانب خدا رسیده است و در اهمیت فرمان همین بس که به پیامبر (ص) مأموریت داده است که در این وضع نامساعد همه را از حرکت باز دارد و فرمان خدا را ابلاغ کند.

فرمان خدا به رسول گرامی نازل شد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.^۳

محدثان شیعه و همچنین سی تن از محدثان بزرگ اهل تسنن تصریح می کنند که این آیه در غدیر خم نازل شده است و طی آن خدا به پیامبر (ص) مأموریت داده که علی (ع) را به عنوان مولای مؤمنان معرفی کند.

۱. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۶.

۲. بقره ۲۵۷.

۳. مائده، ۶۷.

این فرمان آنچنان خطیر و عظیم بود که اگر پیامبر (ص) در رساندن آن ترسی به خود راه می‌داد و آن را ابلاغ نمی‌کرد به تصریح آیه شریف رسالت الهی خود را انجام نداده بود یعنی آن همه مجاهدت، جانفسانی و طرح و برنامه هدایت مردم، بدون انجام این مأموریت ناتمام می‌ماند و تنها با انجام این مأموریت، رسالت وی تکمیل می‌شد.

پیامبر (ص) دست علی (ع) را گرفت و بالا برد تا همه مردم علی (ع) را در کنار پیامبر (ص) دیدند و او را به خوبی شناختند. پس پیامبر ۳ بار فرمود:

«هر کسی که من مولا و رهبر او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست».

هنوز این اجتماع باشکوه به حال خود باقی بود که فرشته وحی آمد و به پیامبر گرامی بشارت داد که خداوند امروز دین خود را تکمیل کرد و نعمت خویش را بر مؤمنان به تمامی ارزانی داشت.^۱

یاران رسول الله دسته دسته به علی تبریک گفتند و او را مولای خود و مولای هر مرد و زن مؤمنی خواندند. از اولین کسانی که به سوی علی می‌شتابید، خلیفه دوم است که با عبارت «يَخُيِّجُ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۲ به علی (ع) تبریک می‌گوید.

علی (ع) کتاب ناطق

علی (ع) می‌فرماید: من کتاب ناطق خدا هستم و قرآن مجید کتاب صامت است.

هیئات که از همان ابتدا افرادی پیدا شدند و اظهار کردند «حسبنا کتاب الله» یعنی کتاب خدا برای ما کافی است و هنوز هم این طرز تفکر در جوامع اسلامی پیگیری می‌شود. طبق سنت الهی، زمین هیچ‌گاه از حجت الهی، خالی نیست و حضرت علی (ع) و سایر ائمه هدی که عترت رسول خدا هستند، معلمان این کتابند و همیشه در روی زمین هستند و به واسطه وجود مبارک ایشان است که خیر بر جمیع مردم نازل می‌شود.

امام معصوم از دیدگاه امام رضا (ع)

امام رضا در این روایت بیش از ۸۰ مورد از ویژگی‌های امام را بیان می‌کند:

امام رضا (ع) در مورد امامت می‌فرماید: خدای می‌فرماید. ما در قرآن چیزی را فرو گذار نکردیم و در حجة الوداع آیه اکمال دین را بر حضرت رسول (ص) نازل کرد.

امر امامت ناشی از کمال دین است در رسول خدا (ص) از دنیا نرفت، مگر آنکه برای امتش نشانه‌های دین را بیان فرمود و راه آنها را واضح کرد و علی (ع) را نشانه و امام قرار داد و از آنچه که امت بدان محتاج بود، چیزی را ترک نکرد، مگر آنکه به درستی بیانش فرمود. پس هر کس که گمان می‌برد خداوند دینش را کامل نگردانیده، کتاب خدا را رد نموده است و هر کس کتاب خدا را رد کند کافر است انسان‌ها قدر امامت و جایگاه آن را در بین امت نشناخته‌اند که در آن حق اختیار کنند.

خانه نشینی علی (ع)

پس از رحلت رسول الله (ص) و کودتای سقیفه، بغض نسبت به امیرالمؤمنین و بی‌تفاوتی اکثریت مردم مانع از خلافت وی شد. دل‌های سیاه و گرفته، علی (ع) را تنها گذاشتند. در این دوران سه دسته و قشر هر یک به

۱. اَلْيَوْمَ اكْتَمَلَتْ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا. مانده، ۳.

۲. یعنی: مبارک باشد بر تو ای علی. تو از امروز مولای من و مولای هر مسلمانی خواهی بود.

نوعی در سرنوشت جامعه اسلامی شرکت داشتند: گروه اول که شیعیان راستین حضرت علی (ع) و پیروان حقیقی حضرت محمد (ص) بودند. در حمایت اهل بیت (س) از هیچ کوششی دریغ نمی کردند. گروه دوم که طبقه حاکمه و قدرت طلب بودند و در یک جبهه مخالف و مشخصی در مقابل حضرت علی (ع) و شیعیان قرار داشتند و مخالفت خود را از هنگام رحلت پیامبر در سقیفه نشان دادند. گروه سوم که دسته اکثریت خاموش بودند و این افراد شامل تعداد بسیاری از مردم عادی شدند که بدون هیچ احساس مسئولیتی در مقابل دین و جامعه انزوا گزیده بودند. در واقع همین گروه هستند که بابتی تفاوتی خود باعث تغییر سرنوشت جامعه اسلامی می شوند. قدرت طلبانی که از زمان پیامبر نقشه غضب خلافت می کشیدند بر اریکه قدرت تکیه زدند و در صدد قتل علی برآمدند. در این برهه فاطمه حامی ولایت و حافظ جان علی است که با مجاهدت ها و در نهایت نثار جان خویش محور دفاع از امامت می گردد. فاطمه بارها خطبه های آتشین در محکومیت غضب خلافت و یادآوری حق علی بن ابی طالب ایراد می کند ولی مردم عادی توان همراهی در خود نمی بینند. لذا علی برای ۲۵ سال خانه نشین می گردد. جامعه نوپای اسلامی از برکات امام محروم می شود. اندک اندک بازگشت به جاهلیت و امتیازات اشرافی و طبقاتی آغاز می گردد و در زمان عثمان به اوج خود می رسد نابسامانی به آنجا می رسد که مردم دسته دسته به خانه علی می شتابند تا فریادرس آنان باشد و با زعامت جامعه اسلامی به تیره روزی ها خاتمه دهد.

حکومت علی (ع)

حضرت علی (ع) هنوز زمینه را برای حکومت خویش مساعد نمی دید. کینه ورزان گذشته مترصد فرصتی جدید بودند و برخی اصحاب گذشته مزه دنیا را چشیده و به آن دل بسته بودند. تبعیض ها در جامعه فراوان بود و بنیان های اجتماعی به شدت آسیب دیده بود. علی با مسلمانانی روبه رو بود که با گذشت زمان به شدت متغیر شده بودند تا بدان حد که حتی در احکام و عبادات واهی جدا داشتند. لذا زمانی که علی به تبیین اصول خلافتش می پردازد و وعده اجرایی حق می دهد آنانی که از شرایط تبعیض آمیز جامعه رشد کرده بودند روی ترش می کنند و در صدد مقابله برمی آیند.

ابن ابی الحدید گوید: امام (ع) در روز دوم خلافت، خطبه مبسوطی ایراد کرد و چنین فرمود:

... مردم من شما را به راه راست پیامبر (ص) و ادار می کنم و دستورات خویش را در دل اجتماع اجرا می سازم. به آنچه می گویم عمل کنید و از آنچه که نهی می کنم بپرهیزید. ای مردم متوجه شوید افرادی از شما که در دنیا فرو رفته اند و بناحق صاحب املاک و زمین شده اند و ... فردا اگر آنها را از فرورفتگی باز دارم و به حقوق شرعی خویش آشنا سازم نگویند که فرزند ابی طالب ما از حقوق خودمان محروم ساخت.

آگاه باشید هرکسی از مهاجرین و انصار می اندیشد که به خاطر مصاحبتش با پیامبر (ص) بر دیگران برتری دارد، باید بداند که برتری ایشان، فردا در پیشگاه ایزدمنان منظور خواهد شد.

هرکسی که ندای حق تعالی و پیامبر را اجابت کرده و کیش ما را تصدیق نموده است و به دین ما داخل شده و به قبله ما روی آورده باشد از نظر حقوق با دیگران برابر خواهد بود. شما بندگان خدا هستید و مال، مال خداست پس بیت المال باید در میان شما بالسویه تقسیم گردد، عرب و عجم همه بیابید.

امام با این منطق گویا توانست برخی از خطوط سیاست خود را که بر عدالت همه جانبه استوار بود،

ترسیم نماید.

با فریاد عدالت علی زیاده طلبان می فهمند که در نظام علوی جایگاهی ندارند لذا توطئه ها به سرعت آغاز

می‌گردد و در طول مدت کوتاه حکومت علی ۳ جنگ بزرگ را بر آن حضرت تحمیل می‌کند. جنگ‌های علی با جنگ‌های پیامبر متفاوت است. این بار مسلمانان با مسلمانان می‌جنگند. هم در اردوی علی قرآن خوانده می‌شود و هم در اردوی خصم. هر دو نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند. این میدان بسیار دشوار است تا آنجا که می‌باید اصحاب بزرگی چون «عمار» قربانی شوند تا عده‌ای قادر به تمیز حق از باطل گردند. دشمنان علی (ع) نگذاشتند علی آن طوری که باید به جامعه اسلامی بپردازد ولی با این حال در دوران پنج‌ساله خلافت امیرالمؤمنین جلوه‌های حکومت عدل اسلامی به جهانیان عرضه شد.

امامت ضامن بقای اسلام

آن‌گاه که امامت و جانشینی علی (ع) ابلاغ گردید دین خدا کامل شد. ولی مردم خود را از نعمت امام محروم ساختند تا آنجا که دوازدهمین معصوم به عنوان ذخیره‌ای الهی برای انسان‌ها حفظ گردید. زمانی خورشید ولایت بر همگان خواهد تابید که موانع و ابرها را از وری خود دور سازند.

پس از شهادت علی (ع)، تمامی امامان و پس از آن علمای بزرگ کوشیدند تا زمینه تحقق حکومت دینی را فراهم کنند. پس از قرن‌ها مجاهدت، امام خمینی در مقام وارث تمامی مجاهدان راه حق توفیق یافت تا جامعه‌ای اسلامی بنیان گذارد و مقدمات اجرای احکام نورانی اسلام را فراهم سازد. آنچه انقلاب امام را موفق ساخت. اتکا به خداوند تبارک و تعالی و وحدت کلمه بود که بر محور ولایت فقیه به عنوان جانشین امام معصوم شکل گرفت. امام آنچنان عظمتی یافت که تمامی توطئه‌ها را نقش بر آب کرد. دشمنان به خوبی فهمیدند که برای ضربه زدن به اسلام و نابودن حکومت اسلامی می‌باید بر ستون خیمه که همان ولایت فقیه است هجوم آورد. لذا بلافاصله پس از رحلت امام با تمام قوا به این محور تهاجم نمودند. متأسفانه برخی نیز در لباس دوست عامل این حرکت شدند. امام می‌فرمودند ولایت فقیه آن قدر روشن است که تصورش باعث تصدیقش می‌شود. امروز افرادی به نام اسلام مقاله می‌نویسند که گویی ولایت فقیه برداشتی است که تنها امام و تعداد معدودی از علما از حکومت اسلامی داشته‌اند. به صراحت منکر حکومت اسلامی شده و ولایت فقیه را در حد یک منتخب عادی مردم با اختیاراتی که مردم به او واگذار می‌کنند تنزل می‌دهند.

از همان ابتدا دشمنان به خوبی فهمیدند که اگر علی و اولادش حکومت کنند جایی برای کشور شرک و ظلم باقی نمی‌ماند. و امروز هم به خوبی دریافته‌اند اگر جانشینان آنان زمامداری جامعه اسلامی را به دست گیرند در نهایت با همان حکومت مواجه خواهند شد.